۶. جلسه با مستبصرین (۱۳۹۲/۰۳/۱۶)

سال تحصیلی (۱۳۹۲-۱۳۹۱) - پنجشنبه، ۱۶ خرداد ماه ۱۳۹۲ عنوان جلسه : رؤیت امام زمان (عج)

- پیش‌گفتار (چکیده)
- خلاصه تفصیلی

پیش‌گفتار (چکیده)

محور اصلی بحث، موضوع رؤیت و مشاهده امام زمان (عج) و همچنین ادعاهای نیابت خاصه پس از غیبت صغری است.

در این جلسه، رؤیت امام زمان (عج) توسط افراد عادی و مقامات معنوی مورد بررسی و تمایز قرار می‌گیرد، با تأکید بر اینکه ادعای نیابت خاصه از سوی امام باطل است اما مشاهدات شخصی یا کراماتی که توسط افراد معتبر و صالح گزارش شده، می‌تواند واقعیت داشته باشد. همچنین به جایگاه علمای راستین و کرامات آن‌ها اشاره شده و تفاوت‌های عرفان نظری با معارف اهل بیت (ع) در موضوعاتی مانند "اعیان ثابته" نیز مورد بحث قرار گرفته است.

خ‌لاصه تفصی‌لی

مفهوم مشاهده و نیابت خاصه امام زمان (عج)

- یکی از مسائل مهم در دوران غیبت، مفهوم «مشاهده» و «نیابت خاصه» امام زمان (عج) است.
- در دوران غیبت صغری، چهار نایب خاص (نواب اربعه) واسطه بین امام و شیعیان بودند. اما پس از پایان نیابت خاصه، امام صراحتاً هرگونه ادعای نیابت خاصه یا مشاهده به معنای واسطه بودن و حجت بودن بین امام معصوم و عموم شیعه را کذب و افترا دانستند.
- این بدان معناست که هیچکس پس از نواب اربعه نمی‌تواند ادعا کند که واسطه و حجت بین مردم و امام است. ادعای "مشاهده" در این زمینه (مانند "من ادعی أنی نصبته للمشاهده")، به معنای ادعای یک منصب خاص نیابت است که مردود است.
- با این حال، این نهی از ادعای مشاهده به معنای مطلق رؤیت امام نیست. فقها و علما، با توجه به قرائن و سیاق کلام، این نهی را ناظر بر ادعای نیابت خاصه و حجیت می‌دانند، نه اینکه کسی به طور مطلق نتواند امام را ببیند.
- دیدن امام توسط افراد عادی (بدون ادعای نیابت) به تواتر نقل شده است و بسیاری از افراد صادق و معتبر، چه با واسطه و چه بی‌واسطه، چنین رؤیت‌هایی را گزارش کرده‌اند. این گزارش‌ها حتی در بین علما نیز مورد تأیید بوده است.

کتاب‌ها و منابع تاریخی مرتبط با دیدارهای امام

- بسیاری از روایات و قصص مربوط به دیدارهای امام در کتب معتبر آمده؛ همچون:
  - بحار الانوار، به ویژه جلد ۵۱، ۵۲ و ۵۳ (کتاب الحجة)، که شامل روایات مشاهده امام است.
  - کمال الدین اثر شیخ صدوق، که بابی مفصل درباره کسانی که امام را دیده‌اند، دارد.
  - جنت المأوی فیمن فاز بلقائه اثر مرحوم نوری (که در جلد ۵۳ بحار الانوار گنجانده شده).
  - نجم الثاقب فی احوال الامام الغائب اثر مرحوم نوری (نسخه فارسی).
  - عبقری الحسان اثر مرحوم نوری (نسخه عربی، در جلد ۵۳ بحار).
  - دارالسلام اثر نوری و عراقی.

    - گنجینه دانشمندان اثر آقای رازی.
    - همچنین بابی مفصل در جلد ۶۶ (چاپ بیروت) ای ۶۹ (اسلامیه) بحار الانوار با عنوان "باب صفات خیار العباد و اولیاء الله تعالی و فیه ذکر بعض الکرامات التی رویت عن الصالحین" که کراماتی از اولیاء و صالحین را ذکر می‌کند.

رجال الغیب، ابدال و اوتاد

- «رجال الغیب» شامل افراد نورانی و یاران خاص امام هستند که تعدادشان حدود سی نفر ذکر شده و دائماً همراه امامند.
- «ابدال و اوتاد» از جمله این رجال الغیب هستند که مرتبه خاصی دارند و امام را می‌بینند. «ابدال» به این نام خوانده شده‌اند زیرا جایگزین انبیا هستند و کارهای آنها را انجام می‌دهند. تعداد آنها ثابت است و با وفات هر یک، دیگری از صالحین جایگزین او می‌شود.
- قبول وجود ابدال و اوتاد و مشاهده امام توسط آنها، دلیلی بر این است که امام دیده می‌شود و نهی از ادعای مشاهده، تنها ناظر بر ادعای منصب نیابت خاصه است.

انواع دیدارها و چالش‌های اثبات

- دیدارهای با امام ممکن است به اشکال گوناگون رخ دهد:
    - گاهی فرد در لحظه دیدار متوجه نمی‌شود که او امام است و بعدها از طریق قرائن واضح و اتفاقات بعدی درمی‌یابد که آن شخص خود امام بوده است. حاج علی بغدادی یکی از معروفترین نمونه‌هاست که امام به سلامش پاسخ داد و اسمش را برد، ولی او تا بعد از رفتن امام متوجه نشد.
    - گاهی ممکن است فرد در حین دیدار نیز امام را بشناسد.
    - در برخی موارد، ممکن است فردی را ببیند که اهل غیب (مانند خضر یا ابدال) است و اشتباهاً گمان کند که امام را دیده است.
    - مشاهده ای رؤیت ممکن است با بدن مثالی صورت گیرد. در این حالت، فرد با جسم مثالی خود به مکان دیگری می‌رود، در حالی که جسم مادی‌اش در جای خود باقی است. این بدن مثالی گاهی توسط دیگران قابل رؤیت است، به خصوص توسط کسانی که بصیرت بیشتری دارند.

- تشخیص قطعی امام در دیدارها همیشه آسان نیست. برخی اوقات قرائن واضحی وجود دارد که هویت امام را تأیید می‌کند، اما در برخی موارد قرائن ضعیف است یا حتی نشان می‌دهد که شخص دیده شده امام نبوده است.
- خوابها نیز اگرچه می‌توانند واقعیت داشته باشند، اما به خودی خود حجت شرعی نیستند.

کرامات و اوصاف اولیاء الله

- حکایات متعددی از کرامات و اوصاف اولیاء و صالحین است که به واقعیتهای غیرمادی اشاره دارند.
- نمونههایی از کرامات:
    - فضیل بن عیاض: پس از وفات، دستش را حرکت داد تا عورتش توسط غسال دیده نشود، و امام صادق (ع) درباره او فرمودند "او از ما اهل بیت است".
    - پدربزرگ یک طلبه: جنازه او که برای دفن در عتبات عالیات حمل میشد، در حین قرائت سوره یاسین، قرائت قاری را تصحیح کرد.
    - حالت سید بحرالعلوم: نقل شده که ایشان در حرم در حضور امام بودند و خادمشان متوجه نمیشد.
    - پیرزن بیماری که با چشمان بسته میدید: نشان میدهد که قوه بینایی لزوماً به چشم مادی وابسته نیست.
    - دختر صبوره: در هنگام احتضار، با فاطمه زهرا (س) صحبت میکرد و او را میدید.

- مطالعه تراجم علما معادل مطالعه کتب اخلاق است و میتواند به عنوان تجسم اخلاق عمل کند.
- نهج البلاغه اوصاف اولیاءالله و سالکین حقیقی را بیان میکند: "قد احیا عقله و امات نفسه حتی دق جلیله و لطف غلیظه و برق له لامع کثیر البرق فاباان له الطریق و سلک به السبیل و تدافعت به الابواب الی باب السلامة و دار القامة و ثبتت رجلاه بطمانینة بدنه فی قرار الامن والراحة بما استعمل قلبه و ارضی ربه". این افراد کسانی هستند که نفس خود را میمیرانند و عقل خود را زنده میکنند.
- حدیث قدسی و روایات دیگری نیز اوصاف "بندهی گمنام" را ذکر میکنند که از نظر خداوند مورد رضایت است. این افراد در ظاهر با مردم هستند اما در باطن دلبسته اعمال دنیوی نیستند و "چراغهای هدایت" (مصابیح الهدی) محسوب میشوند.

مقایسه عرفان نظری و معارف اهل بیت

- برخی عرفا و صوفیه چینش نظام هستی را به عوالم مادّه، مثال، جبروت، اعیان ثابته و غیره تقسیم میکنند و ادعا میکنند که این مراتب را از طریق مشاهده کشفی درک کردهاند.
- منابع تأکید دارند که هرچند بین معارف عرفان نظری و روایات اهل بیت مشترکاتی وجود دارد، اما اختلافات بسیار مهمی نیز هست که باید بر آنها تمرکز کرد، به خصوص در مشخصههای مکتب اهل بیت.
- اشکال اصلی در "علمسازی" یا "تدوین" معرفت کشفی است. گاهی عارفی که به حقیقتی دست یافته، در مرحله تبدیل آن به یک نظام نظری و کلاسیک برای ارائه به دیگران، دچار اشتباه میشود، به دلیل کمبود "آلات تدوین" (ابزارهای بیان و نظاممند کردن دانش). قرآن کریم در مقابل، تدوینی کاملاً مطابق با تکوین دارد.
- بسیاری از مطالب عرفان نظری، از نظر ضوابط برهانی کلاسیک، مورد قبول نیستند و نمیتوانند ادعاهای خود را به صورت منطقی اثبات کنند.
- به عنوان مثال، مفهوم "اعیان ثابته" که در کتب حکمت متعالیه (مانند نهایة الحکمة) مردود شمرده میشود، در دستگاه تدوین معارف اهل بیت قابل درک نیست و از واضحات و مسلمات است. اما حتی اعیان ثابتهای که عرفا مطرح میکنند (به معنای ماهیات)، تنها

بخش کوچکی از حوزه‌های دیگر معارفی است که در روایات اهل بیت به آن‌ها اشاره شده و با اعیان ثابته قابل توجیه نیستند.

- روش اهل بیت در مواجهه با معارف، با روش برخی عرفان‌های نظری تفاوت دارد و به نظر می‌رسد که حق محض و برهان محض در روایات اهل بیت موجود است. این تمایل در توصیه‌ی علامه طباطبایی به شاگردشان، سید محمدحسین حسینی تهرانی، برای تمرکز بر تفسیر قرآن و روایات اهل بیت به جای کتب عرفانی مانند "منازل السائرین" نیز دیده می‌شود.